



نظام فلسفی سهروردی تلفیق زهد و اشراق با روش عقلی است

مؤلف «فلسفه فلسفه اسلامی» با بیان اینکه شیخ اشراق معتقد بود برای داشتن يك نظام فلسفی باید زهد و اشراق را با روش عقلی تلفیق کرد، اظهار داشت: شیخ اشراق نظام‌های فلسفی از ملاصدرا تا علامه طباطبایی را با اهتمام بر علم حضوری تحت تأثیر قرار داد.

171#& سهروردی» شهید راه عقلانیت

خسروپناه: نظام فلسفی سهروردی تلفیق زهد و اشراق با روش عقلی است

مؤلف **171#&** «فلسفه فلسفه اسلامی» با بیان اینکه شیخ اشراق معتقد بود برای داشتن يك نظام فلسفی باید زهد و اشراق را با روش عقلی تلفیق کرد، اظهار داشت: شیخ اشراق نظام‌های فلسفی از ملاصدرا تا علامه طباطبایی را با اهتمام بر علم حضوری تحت تأثیر قرار داد.

حجت‌الاسلام والمسلمین عبدالحسین خسروپناه، عضو هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی در گفت‌وگو با خبرنگار آیین و اندیشه خبرگزاری فارس درباره تعریف فلسفه و عقلانیت از نگاه شیخ اشراق، اظهار داشت: شهاب‌الدین یحیی سهروردی در مقطعی ظهور کرد که فلسفه درحاشیه و گرایش‌ها بیشتر عرفانی بود.

وی در ادامه افزود: او با درک این معنا، مکتب جدیدی برای پاسخگویی به پرسش‌های عصر خود بنا کرد و علی‌رغم عمر اندک، آثار و برکات بسیاری برجای نهاد. مهم‌ترین اثر سهروردی مجموعه مصنفات است که دیدگاه‌های او را می‌توان از آن به دست آورد.

مؤلف **171#&** «قلمرو دین» خاطرنشان کرد: شیخ اشراق برحس و عقل تأکید دارد؛ اما بیشتر از همه بر شهود تأکید دارد. او حس را به حس ظاهری و باطنی تقسیم می‌کند.

خسروپناه با بیان اینکه شیخ اشراق مبحث تقسیم علم بر حصولی و حضوری را بیش از دیگران پرورش و توسعه داد، گفت: علم به نفس، علم به احساسات نفس، علم به علت هستی‌بخش و حتی علم معلول را از مصادیق علم حضوری برشمرد.

این پژوهشگر فلسفه اسلامی درباره تأثیر شیخ اشراق در فلاسفه بعد از خود اظهار داشت: ابداع نظام فلسفی جدید به دست ملاصدرا و تنظیم و ترتیب دادن به آن نظام، توسط علامه طباطبایی (ره) مرهون اهتمام سهروردی به مبحث علم حضوری است.

مدرس مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) ضمن بیان اینکه سهروردی به معقولات اولی و ثانیه نیز توجه داشت، تصریح کرد: او معتقد بود برای داشتن يك نظام فلسفی باید زهد و اشراق را با روش عقلی تلفیق کرد و برای انتقال شهودات باطنی به دیگران باید از روش عقلانی استفاده کرده و آن را در يك نظام عقلانی عرضه کرد.

مؤلف **171#&** «گستره شریعت» درباره تعریف و خاستگاه فلسفه از نگاه شیخ اشراق، اظهار داشت: شیخ اشراق همانند پیش‌کسوتان خود، حکمت را به معنای عام دانسته، آن را به حکمت نظری و عملی تقسیم کرده است.

*** حکمت نظری به اعمال آدمیان تعلق ندارد**

وی در ادامه اظهار داشت: حکمت نظری به اعمال آدمیان تعلق ندارد؛ در حالی که حکمت عملی به اعتبار حاجت انسان به معرفت فضایل و رذایل و مصالح منزل و چگونگی نظام شایسته جهت تدبیر آن، متعلق به اعمال انسان‌هاست.

مؤلف **171#&** «فلسفه فلسفه اسلامی» با بیان اینکه حکمت عملی به سه حکمت خلقیه، منزلیه و مدنیه تقسیم می‌شود، گفت: حکمت نظری نیز به سه شاخه اصلی منشعب می‌شود.

وی در ادامه افزود: شاخه اول، به هیچ وجه به امور مادی تعلق ندارد و تنها امور غیر مادی را شامل می‌شود، مانند واجب و عقول و اقسام وجود مطلق. البته چه بسا بخشی از اقسام وجود مطلق با ماده همراهی داشته باشد؛ لکن طبیعت آن حاجتی به ماده ندارد. نام این شاخه از حکمت نظری را علم اعلی گذاشته‌اند و موضوعش، اعم اشیا یعنی وجود مطلق است که از اعراض ذاتیه و اقسام آن بحث می‌شود.

مؤلف **171#&** «هستی‌شناسی معرفت» با بیان اینکه شاخه دوم به اموری که تعلق به ماه دارند می‌پردازد، خاطرنشان کرد: لکن قوه واهمه آن را مجرد از ماده می‌سازد و در مقام فرض ذهن احتیاجی به ماده ندارد. این قسم را حکمت وسطی می‌نامند و موضوع آن است.

171#& «کم» است. شاخه سوم یعنی علم طبیعی به مادیات تعلق دارد و جسم عالم از جهت حرکت و سکون، موضوع آن است. خسروپناه در ادامه سخنانش اظهار داشت: تقریر دیگر شیخ اشراق از این تعریف در رساله دیگری چنین آمده است که امور بر دو نوع‌اند یا به افعال تعلق دارند که حکمت متعلق به آن را حکمت عملیه می‌نامند و یا تعلقی به اعمال انسان‌ها ندارند که حکمت نظریه بدان تعلق می‌یابد. حکمت نظریه نیز یا به تخصص ماده و استعداد نیازمند است و یا حاجتی بدان ندارند؛ لکن در وقوعش به ماده احتیاج است. علم طبیعی، متکفل قسم اول و علم ریاضی، متکفل قسم دوم است. موضوع علم طبیعی، جسم از جهت قوه تغیر و ثبات است.

این استاد حوزه و دانشگاه خاطرنشان کرد: فرض سوم این است که در وجود ذهنی و خارجی، حاجتی به ماده و استعداد نباشد و

علمي که به این مباحث، تعلق می‌گیرد، فلسفه اولی نامیده می‌شود و موضوعش، اعم اشیا یعنی وجود است. قطب‌الدین شیرازی شارح برجسته حکمت اشراق نیز همین تعریف عام را مطرح می‌سازد.

* شیخ اشراق معتقد است که تنها وجه تسمیه حکیم، به دانستن احکام مجردات است

خسروپناه ضمن بیان اینکه شیخ اشراق، فلسفه را به معنای قسمی از حکمت نظری یعنی علم اعلی و فلسفه اولی نیز به کار برده است، تصریح کرد: فلسفه در این کاربرد از اعم اشیا یعنی وجود مطلق سخن می‌گوید و اعراض ذاتیه و اقسام آن را بازگو می‌کند. این تعریف از فلسفه دارای دو بخش کلی است. بخش نخست عبارتست از علم کلی که در آن، تقسیمات وجود و امور عامه بحث می‌شود و بحث دوم عبارتست از مباحث مربوط به الهیات بالمعنی الاخص.

مؤلف «؛انتظار بشر از دین» در ادامه سخنانش گفت: شیخ اشراق معتقد است که تنها وجه تسمیه حکیم، به دانستن احکام مجردات است. به همین دلیل، سقراط واژه فلسفه را بدون هرگونه پسوندی، معرفت مفارقات و مبادی و اباحت کلی می‌داند و به گفته او «؛انی کنت مشغلا بافضل العلوم والصناعات واشرفها وهو الفلسفه».

انتهای پیام/ک